انتظار فرج، برای برقراری عدالت است

بهره‌ای از کلام امام خمینی

نیمه شعبان دیگری گذشت و چشم‌های منتظرعدالت همچنان در انتظار ظهور منجی عالم بشریت است. عظمت وجودی حضرت صاحب‌الامر، امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در طول تاریخ موضوع تحلیل و تجلیل ابناء بشر از هر گروه قومی، اجتماعی و فرهنگی با هرگونه گرایش فکری و اعتقادی بوده است، علاوه بر پیروان ادیان الهی، پیروان مکاتب غیرالهی و حتی افراد فاقد اعتقادات دینی نیز در انتظار ظهور «منجی» در جهان بشریت هستند و این «منجی» را برقرارکننده عدالت و استوارکننده جهان عاری از ظلم و ستم می‌دانند. امام خمینی رضوان‌الله تعالی علیه، که درخشان‌ترین چهره علمی، فقهی، عرفانی، معنوی و سیاسی در قرون اخیراست، با ارائه اندیشه تشکیل نظام اسلامی در عصر غیبت و تلاش بی‌وقفه در راه تحقق این اندیشه، توانستند «انتظار» را در معنای واقعی آن تبیین و تفهیم نمایند و با انحرافات رسوخ کرده در این فرهنگ مهم به مبارزه برخیزند و این فرهنگ غنی را از افکار آلوده پاکسازی نمایند. آنچه پیش روی شماست، گزیده‌ای از بیانات امام خمینی پیرامون «فرهنگ انتظار» و لزوم پالایش این فرهنگ از افکار انحرافی است که به مناسبت ایام فرخنده ماه شعبان بخصوص نیمه این ماه که سالروز ولادت حضرت صاحب‌الامر امام زمان علیه‌السلام بود تقدیم خوانندگان گرامی روزنامه می‌شود.

***

درماه شعبان هستیم و چند روز دیگر درماه رمضان واقع می‌شویم. ماه رمضان، ماه نبوت است و ماه شعبان، ماه امامت. ماه رمضان، لیلةالقدر دارد و ماه شعبان، شب نیمه شعبان دارد که تالی لیلةالقدر است. ماه رمضان مبارک است؛ برای اینکه لیلةالقدر [دارد] و ماه شعبان مبارک است؛ برای اینکه نیمه شعبان دارد. ماه رمضان مبارک است؛ برای اینکه نزول وحی در او شده است یا به عبارت دیگر، معنویت رسول خدا وحی را نازل کرده است و ماه شعبان معظم است؛ برای اینکه ماه ادامه همان معنویات ماه رمضان است. این ماه مبارک رمضان جلوه لیلةالقدر است که تمام حقایق و معانی در او جمع است و ماه شعبان، ماه امامان است که ادامه همان است. در ماه مبارک رمضان، مقام رسول اکرم – صلی‌الله علیه وآله وسلم – به ولایت کلی الهی بالاصاله تمام برکات را در این جهان بسط داده است و ماه شعبان، که ماه امامان است، به برکت ولایت مطلقه، به تبع رسول‌الله همان معانی را ادامه می‌دهد. پس ماه رمضان ماهی است که تمام پرده‌ها را دریده است و وارد شده است جبرئیل امین بر رسول خدا و به عبارت دیگر، وارد کرده است پیغمبر اکرم جبرئیل امین را در دنیا. و ماه شعبان، ماه ولایت است و همه این معانی را ادامه می‌دهد. ماه رمضان مبارک است که قرآن بر او وارد شده است. و ماه شعبان مبارک است که ادعیه ائمه – علیهم‌السلام – در او وارد شده است. ماه مبارک رمضان [است] که قرآن را وارد کرده است. قرآن مشتمل بر تمام معارف است و تمام مایحتاج بشر است و ماه شعبان، که ماه امامان است، ادامه همان حقیقت است و همان معانی در تمام دوره‌ها. آن چیزی که در قرآن به‌طور اسرار است، در ادعیه ائمه ما به‌طور اسرار است. در دعای شعبانیه می‌خوانیم که عرض می‌کند به خدا: "وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ نادَيْتَهُ فَاجابَكَ وَ لا حَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلالِكَ فَناجَيْتَهُ سِرّاً وَ عَمِلَ لَكَ جَهْراً."(۱) مسئله "صعق" را می‌آورد در میان؛ همان معنایی که در قرآن کریم راجع به حضرت موسی می‌گوید: "فَلَمّا تَجَلّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ"(۲) و موسی در «صعق» واقع شد. این ماه صَعق است و این هم ماهی است که همان صعق را می‌خواهد. این ماه تجلی الهی است بر پیغمبر اکرم و این ماه تجلی الهی به تبع پیغمبر اکرم بر امامان است.

حضرت مهدی – سلام‌الله علیه – ابعاد مختلفه دارد که آنچه که برای بشر واقع شده است، بعض ابعاد اوست؛ چنانچه آنچه از قرآن و پیغمبر اکرم برای بشر معلوم شده است، بعض ابعاد آن معنویات است؛ معنویاتی در قرآن است که برای هیچ کس جز پیغمبر اکرم و کسانی که شاگرد او هستند و از او استفاده کرده‌اند، کشف نشده است و در

***یک دسته‌ای می‌گفتند که باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هرکاری می‌خواهند بکنند؛ گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود!**

ادعیه ما مسائلی است که همان‌طور است؛ همان طوری که رسول اکرم به حسب واقع، حاکم بر جمیع موجودات است؛ حضرت مهدی همان‌طور حاکم بر جمیع موجودات است. آن خاتم رسل است و این خاتم ولایت. آن خاتم ولایت کلی بالاصاله است و این خاتم ولایت کلی به تبعیت است. پس این دو ماه، ماه‌هایی هستند که باید ما راجع به آنها احترام قائل بشویم و ادعیه‌ای [را] که در این ماه مبارک؛ ماه معظم شعبان وارد شده است و پس از آن در ماه مبارک رمضان وارد شده است بخوانیم و درش تدبر کنیم.

مفسرانی که اهل این معانی هستند، ادعیه ائمه را تفسیر کنند! مناجات شعبانیه از مناجاتهایی است که کم نظیر است؛ مثل دعای ابوحمزه که از حضرت سجاد وارد شده است، آن هم کم نظیر است و این هم کم نظیر است. دعای کمیل در شعبان وارد شده است و یکی از ادعیه‌ای است که در پانزده شعبان، شب پانزده شعبان خوانده می‌شود، مشتمل بر اسراری است که دست ما از آن کوتاه است. از ائمه هدی ادعیه‌ای وارد شده است که مضامین آنها را باید تامل کرد، و آنهایی که اهل نظر هستند، اهل معرفت هستند بر آنها شرح کنند؛ آنها را به مردم ارائه بدهند، اگرچه هیچ کس

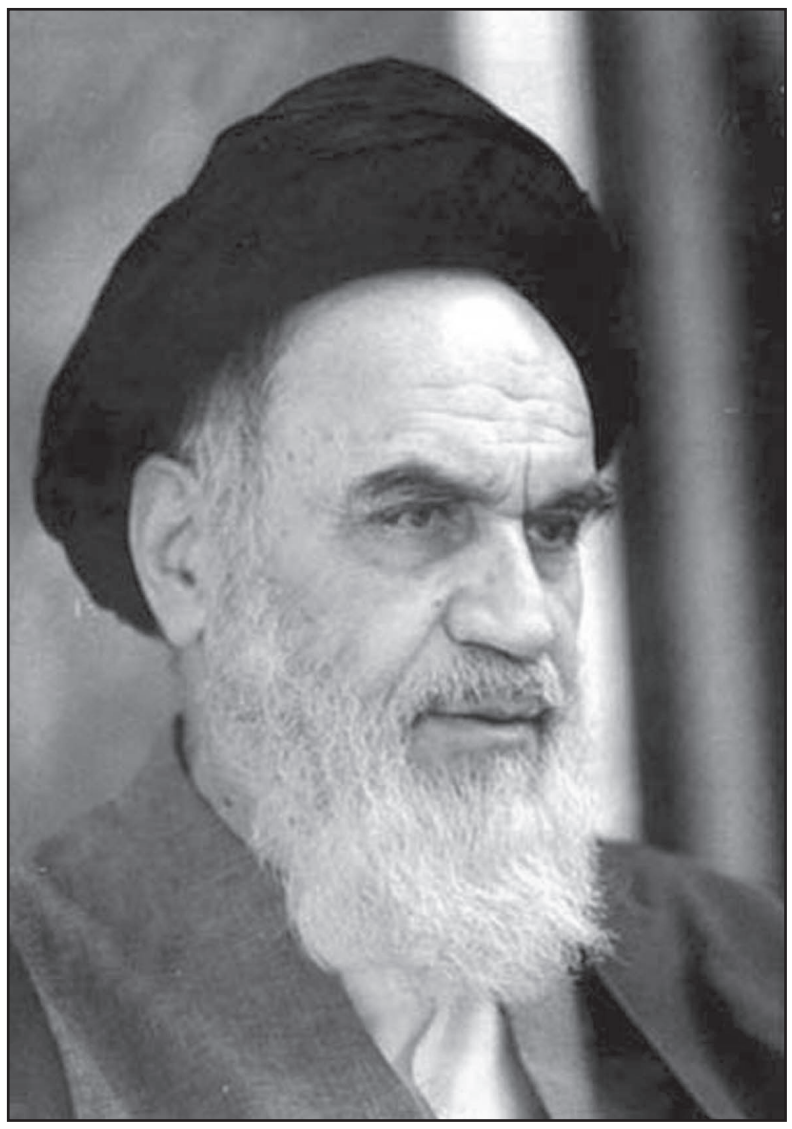

نمی‌تواند آن چیزی [را] که به حسب واقع هست، شرح کند. ما از این مسئله باید بگذریم و همان اکتفا کنیم به اینکه ما تابع هستیم و ما قائل به این هستیم که نور نبوت و نور امامت از صدر خلقت بوده است و تا آخر خواهد بود. (صحیفه امام، ج ۲۰، صص۲۴۸ تا ۲۵۰)

آنچه امروز می‌خواهم به عرضتان برسانم برداشتهایی که از انتظار فرج شده است؛ بعضی‌اش را من عرض می‌کنم. بعضیها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان – سلام‌الله علیه – را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند. بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب – سلام‌الله‌علیه – بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند. یک دسته دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان‌شاءالله، درست می‌کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. اینها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند. یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند؛ گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود. یک دسته‌ای از این بالاتر بودند، می‌گفتند: باید دامن زد به گناهها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت – سلام‌الله علیه – تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته، منحرفهایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرفهایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زدند. یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آنها مغرور بودند. آنهایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند به بعض روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر عَلَمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات]اشاره دارد] که هرکس علم بلند کند با علم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند، [باطل است] حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این است که تکلیفمان دیگر ساقط است؟ یعنی، خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت بکنیم تا پیغمبر بیاید، تا حضرت صاحب بیاید؟ حضرت صاحب که تشریف می‌آورند برای چی می‌آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را

***حضرت صاحب که تشریف می‌آورند برای چه می‌آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را از بین ببرند**

از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای اینکه حضرت بیایند؟ حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند، می‌خواهند همین کارها را بکنند. الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد؟ به حسب رای این جمعیت، که بعضیشان بازیگرند و بعضیشان نادان، این است که ما باید بنشینیم، دعا کنیم به صدام. هر کسی نفرین به صدام کند، خلاف امر کرده است؛ برای اینکه حضرت دیر می‌آیند! و هر کسی دعا کند به صدام؛ برای اینکه این فساد زیاد می‌کند، ما باید دعاگوی آمریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم و دعاگوی اذنابشان از قبیل صدام باشیم و امثال اینها تا اینکه اینها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند. بعد حضرت تشریف بیاورند، چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند؛ همان کاری که ما می‌کنیم و ما دعا می‌کنیم که ظلم و جور باشد! حضرت می‌خواهند همین را برش دارند. ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی‌توانیم. اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می‌کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید.

ما تکلیف داریم که، اینکه می‌گوید حکومت لازم نیست، معنایش این است که هرج و مرج باشد. اگر یک سال حکومت در یک مملکتی نباشد، نظام در یک مملکتی نباشد، آن‌طور فساد پر می‌کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آنکه می‌گوید حکومت نباشد، معنایش این است که هرج و مرج بشود؛ همه هم را بکشند؛ همه به هم ظلم بکنند برای اینکه حضرت بیاید. حضرت بیاید چه کند؟ برای اینکه رفع کند این را. این یک آدم عاقل، یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاست این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماهارا که ما کار به آنها نداشته باشیم، آنها بیایند هر کاری می‌خواهند انجام بدهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد!

مسئله این است که دست سیاست در کار بوده؛ همان طوری که تزریق کرده بودند به ملتها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیتهای دنیا که سیاست کار شماها نیست؛ بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است، بدهید به دست امپراتورها. خوب، آنها از خدا می‌خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت و به دست ظلمه، دست آمریکا، دست شوروی، دست امثال اینها و آنهایی که اذناب اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند، همه چیز مسلمانها را ببرند، همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم بگوییم که نباید حکومت باشد، این یک حرف ابلهانه است، منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، اینها را بازی دادند و گفتند: شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید توی مسجدهایتان بایستید نماز بخوانید! چه کار دارید به این کارها؟ اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد این برخلاف انتظار فرج است. اینها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند. اینها تزریق کرده‌اند بهشان که این حرفها را بزنند. نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند. حکومت نبودن، یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست... شنیدم بعضی از اشخاص گفته‌اند که خوب با این وضعی که هست، الآن در ایران هست، دیگر ما نباید تهذیب اخلاق بکنیم؛ دیگر غلط است این حرفها! چیزی نیست دیگر حالا؛ حتماً باید استاد اخلاق در یک محیطی باشد که همه مردم فاسدند، شرابخانه‌ها همه بازند و – عرض می‌کنم که – جاهای فساد همه بازند! اگر یک جایی باشد که خوب باشد، آنجا دیگر تهذیب اخلاق لازم نیست، نمی‌شود، باطل است! اینها یک چیزهایی است که اگر دست سیاست در کار نبود، ابلهانه بود، لکن آنها می‌فهمند دارند چی می‌کنند. آنها می‌خواهند ما را کنار بزنند. (صحیفه امام، ج۲۱، صص۱۳تا۱۶)

---

۱ – مفاتیح الجنان، اعمال مشترکه ماه شعبان، مناجات شعبانیه.

۲ – سوره اعراف، آیه ۱۴۳.

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت پل نیک پندار در حال تصفیه (سهامی خاص) بشماره ثبت ۱۰۰۵۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۴۵۱۹۸ (نوبت اول)

در اجرای ماده ۲۲۵ اصلاحیه قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت پل نیک پندار در حال تصفیه (سهامی خاص) بشماره ثبت ۱۰۰۵۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۴۵۱۹۸ که آگهی انحلال آن در صفحه ۶۱ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۲۶۰۸ مورخ ۱۴۰۱/۸/۱۰ درج گردیده است دعوت به عمل می آید تاظرف مدت حداکثر ۶ ماه از تاریخ انتشار آگهی نوبت اول با ارائه مدارک مثبته ادعای خود به مدیرتصفیه آقای علی با تربیت بیرک علیا با کدملی ۰۸۷۱۵۹۶۸۱۴ بشماره همراه ۰۹۳۹۹۶۳۱۷۱۷ مستقر در آدرس استان تهران ـ شهرستان تهران ـ بخش مرکزی ـ شهر تهران ـ آذربایجان ـ خیابان شهید مهدی حاج ملاعلی ـ خیابان گلشن ـ پلاک ۲۸ ـ طبقه اول ـ واحد شمالی کدپستی: ۱۳۱۸۶۱۷۳۴۶ مراجعه نماید بدیهی است شرکت و مدیرتصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج از مدت فوق به شرکت منعکس گردد مسئولیتی نخواهد داشت .

مدیرتصفیه شرکت پل نیک پندار (سهامی خاص) در حال تصفیه علی با تربیت بیرک علیا

دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی سالانه و مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول شهرک گلستان لاکوده به شماره ثبت ۱۸۸۳۳ تهران

به این وسیله از تمامی مالکان شهرک گلستان لاکوده یا قائم‌مقام قانونی آنان دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی شهرک (نوبت اول) که در ساعت ۱۰ صبح روز شنبه ۱۴۰۲/۱/۵ و نیز مجمع عمومی فوق‌العاده شهرک (نوبت اول) که در ساعت ۱۲ صبح همان روز در سالن اجتماعات دانشسرای کشاورزی واقع در بلوار امام رضا(ع) سلمانشهر تشکیل می‌شود حضور یابند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی:

۱ - ارائه گزارش مالی هیئت مدیره و بازرس
۲ - تعیین و تصویب شارژ سالانه ویلاها برای سال ۱۴۰۲
۳ - اتخاذ تصمیم در مورد فعالیت‌های عمرانی و هزینه‌های مربوطه
۴ - سایر موضوعات ضروری که صلاحیت مجمع عمومی است

دستور جلسه عمومی فوق‌العاده: ۱ - شور بررسی در مورد اساسنامه تهیه شده موضوع مصوبه فوق‌العاده مورخ ۱۴۰۱/۶/۲۵
۲ - سایر موضوعات ضروری که در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است.

هیأت مدیره شهرک گلستان لاکوده

اینجانب داود نوری مالک خودرو سمند به شماره موتور ۱۲۴۸۶۱۵۸۴۴۸ و شماره شاسی ۷۳۲۹۰۵۹۷ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای المثنی اسناد مذکور را نموده ام. لذا چنان چه هرکسی ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ تهران کرج شهرک پیکانشهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق قوانین مقرر اقدام خواهد شد.

"لاهیجان"

اینجانب زرین دعانویس مشعوف مالک خودرو پیکان به شماره موتور ۱۱۲۸۵۰۴۳۵۰۲ و شماره شاسی ۲۲۱۱۰۹۴۵ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای المثنی اسناد مذکور را نموده ام. لذا چنان چه هرکسی ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ تهران کرج شهرک پیکانشهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق قوانین مقرر اقدام خواهد شد.

"خمام"

اینجانب علی اکبر علمدار مالک خودرو پیکان مدل ۱۳۸۰ به شماره موتور ۱۱۱۲۸۰۷۱۸۵۸ و شماره شاسی ۰۰۸۰۴۷۴۸۲۰ و شماره پلاک ۷۳ ایران ۸۱۱ و ۱۶ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چناچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید بدیهی است پس از انقضای مهلت مذبور طبق مقررات اقدام خواهد شد جهرم

مدرک فارغ التحصیلی صدیقه اسکندری آلوقره فرزند خلیل به شماره شناسنامه ۳۷۲۸ صادره از اهواز متولد ۱۳۶۴در مقطع کارشناسی رشته زیست شناسی سلولی مولکولی میکروبیولوژی صادره از دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم به شماره ۸۳۲۱۷۴۵۴/۱۰۵۶۹ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم به نشانی خیابان فرودگاه دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم ارسال نماید. جهرم

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه ورثه ی علی بهرامی فرزند محمد با تسلیم دو برگ استشهادیه محلی گواهی شده توسط دفترخانه اسنادرسمی شماره ۷ حوزه ثبتی این شهرستان (میناب) مدعی اند سند مالکیت ششدانگ دو باب خانه به مساحت ۳۶۴متر مربع تحت شماره پلاک ۱۳۰۲- اصلی واقع در محله پاکوه قطعه ۱بخش ۴میناب تحت سریال چاپی سند مالکیت دفترچه ای به شماره ۱۲۵۸۷۷سری ب ذیل ثبت ۴۴۸۹ صفحه۲۳۵ دفتر جلد۲۲ بنامش صادر وتسلیم گردیده , به علت جابجایی مفقود گردیده است . لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت تقاضا صدور سند مالکیت المثنی نسبت به پلاک فوق الذکر را نموده اند بدین وسیله مراتب در یک نوبت جهت اطلاع عموم آگهی تا چنا نچه هرکس مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذکور ویا مدعی وجود اصل سند مالکیت نزدخود می باشد اعتراض خود را ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی با ارائه اصل سند مالکیت ویا سند انتقال به اداره ثبت اسناد واملاک میناب تسلیم نماید بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر قانونی وعدم وصول واخواهی ویا در صورت وصول اعتراض وعدم ارائه اصل سند مالکیت ویا سند انتقال نسبت به صدور سند مالکیت المثنی بنام مالک وفق مقررات اقدام خواهد شد. م/الف ۲۱۲۵

تاریخ انتشار:۱۴۰۱/۱۲/۲۰

عقیل قاسمی ـ رئیس اداره ثبت اسناد واملاک میناب

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه آقای اسحق کریمی فرزند عباس بموجب دو فقره استشهادیه محلی مورد تائید دفترخانه شماره۷ میناب ، مدعی است سند مالکیت ششدانگ پلاک ۱۱۷۵-اصلی تحت عنوان یکباب خانه به مساحت ۱۴۵/۸۰ متر مربع واقع در شهرک عباس پور قطعه یک بخش۵ میناب ذیل ثبت ۱۸۶۷ صفحه ۴۷۰ جلد ۱۰ بنام نامبرده ثبت و مستقر گردید وسپس برابر خلاصه سند رهنی شماره ۲۸۹۲۰ مورخ ۱۳۷۷/۰۶/۰۳ تنظیمی دفترخانه ۷ میناب در رهن بانک ملی شعبه بندرعباس قرار گرفته، به علت جابجائی مفقود گردید.لذا تقاضای صدور سند مالکیت المثنی از ششدانگ پلاک فوق را نموده اند. بنابراین باستناد تبصره ۱- اصلاحی مورخه ۷۲/۲/۳ ماده ۱۲۰-آیین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی میگردد تا چناچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مذبور نزد خود می باشد مراتب را از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ده روز ضمن با ارائه اصل سند مالکیت و یا سند انتقال به این اداره اعلام و رسید دریافت دارند تا مورد رسیدگی قرار گیرد و الی پس از انقضا مدت مذبور و نرسیدن واخواهی یا در صورت واخواهی و عدم ارائه آن نسبت به صدور سند مالکیت المثنی اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

م/الف ۲۱۲۹

عقیل قاسمی ـ رئیس ثبت اسناد واملاک میناب

برگ سبز سواری پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۹۴ به شماره موتور ۵۳۹۵۶۳۹ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰F۳۴۲۴۱۸۲ و شماره پلاک ۸۳ ایران ۱۱۳ م ۶۹ به نام فرخنده کریم زاده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم

برگ سبز پژو پارس مدل ۱۴۰۱ به شماره موتور ۱۲۵K۰۰۳۳۹۲۱ و شماره شاسی NAANA۱۵EXNH۴۵۸۳۶۷ و شماره پلاک ۸۳ ایران ۲۲۳ د ۴۴ به نام ساجده بیت سیاح مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم

برگ سبز سواری پژو ۴۰۵TU۵ مدل ۱۳۹۷ به شماره موتور ۱۸۱B۰۰۷۲۵۰۶ و شماره شاسی NAAM۳۱FE۹JK۷۰۱۰۲۳ و شماره پلاک ۸۳ ایران ۴۲۷ ه ۵۳ به نام عبدالرضا اسلامی پیر سلامی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم

برگ سبز سواری پراید مدل ۱۳۸۷ به شماره موتور ۲۵۰۷۰۴۸ و شماره شاسی ۱۴۱۲۲۸۷۷۷۲۹۲۶ و شماره پلاک ۷۳ ایران۸۷۳ ب ۴۹ به نام زهرا حمیدی پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم

بدینوسیله به اطلاع می رساند مجوز حمل سلاح شکاری گلوله زنی کالیبر ۷/۹۲ به شماره ۱۲۰۶ مدل ۵ تیر گلنگدنی ساخت آلمان شماره سریال ۱۳۹۱۲۸۱۳۰ به نام عبدالحسین مرادی فرزند علی حسین مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم

برگ سبز سواری پراید مدل ۱۳۸۲ به شماره موتور ۰۵۲۱۳۱۴۳ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۹۷۹۶۶۵ و شماره پلاک ۷۳ ایران ۷۴۵ ط ۱۹ به نام صولت شاکری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم

دفترچه ثبت ساعت پلیس راهور ویژه رانندگان از نوع ویژه ۲ بنام کرامت خدادادی به کد ملی ۲۴۷۱۳۰۹۹۰۹ فرزند خداداد به استناد گواهینامه پایه دوم به شماره ۹۲۸۲۳۸۱۳۷۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم

برگ سبز و کارت شناسایی و سند موتور سیکلت بهمن هانیکو به شماره موتور ۸۳۳۰۳۰۳۴ و شماره شاسی IRAFL۸۲۱۰GD۵۱۹۱۹۱ مدل ۱۳۸۲ شماره پلاک ۹۸۱۶۵ ایران ۶۹۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم

برگ سبز موتور سیکلت یاماها مدل ۱۳۷۹ به شماره شاسی JYADG۰۱X۹NA۰۶۳۰۷۱ و شماره موتور ۳TS۱۴۴۰۹۰ و شماره پلاک ۱۲۲/۳۸۶۵۵ به نام شهرام جداری باباپور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم

برگ سبزوانت ۱۵۱ به شماره موتور M۱۳/۶۵۳۱۲۹۰ و شماره شاسی NAS۴۵۱۱۰۰M۴۹۵۰۶۱۰ و شماره پلاک ۸۳ایران ۳۳۶ هـ ۹۳ به نام راضیه بصیرت علی قنبری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم

برگ سبز سواری پیکان مدل ۱۳۸۰ به شماره موتور ۱۱۱۲۸۰۷۱۸۵۸ و شماره شاسی ۰۰۸۰۴۷۴۸۲۰ و شماره پلاک ۷۳ ایران ۸۱۱ و ۱۶ به نام علی اکبر علمدار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم

برگ سبز سواری ساپیا پراید ۱۳۱ مدل ۱۳۹۵ به شماره موتور M۱۶/۵۷۳۵۰۰۳ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰G۱۲۸۰۲۴۲ و شماره پلاک ۸۳ ایران ۸۹۹ هـ ۳۵ به نام آزاده اسمعیلی دهزیری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. جهرم